



آقای آموزگار چند روز پیش بحث ممیزی کتاب دوباره خبرساز شد و مدیر اداره کتاب وزرات ارشاد از تفویض ممیزی به ناشران گفت. درواقع طرحی که قریب به دو سال پیش با عنوان «خودتنظیمی» مطرح شده و معطل مانده بود، اینک بناست وارد فاز اجرایی شود. نظر شما نسبت به این طرح چیست؟

استیاط من این است که وزارت ارشاد می‌خواهد از ظرفیتی که در بین ناشران وجود دارد استفاده کند و به‌نوعی ممیزی را به آنها انتقال دهد. طبق اعلام وزارت ارشاد در مرحله نخست، این رویه قرار است از ناشران دولتی و عمومی آغاز شود. فکر می‌کنم منظور از ناشران عمومی هم ناشرانی هستند که به نهادهای دولتی وابسته نیستند اما زیر نظر نهادهای مؤسسات عمومی‌اند، مانند نشرهای وابسته به شهرداری و سازمان تبلیغات اسلامی و غیره و ذلک، نه ناشرانی که در حوزه چاپ کتاب‌های عمومی فعالیت دارند. اما در مورد انتقال ممیزی به ناشران، به‌خاطر می‌آورم که آقای صالحی، معاونت فرهنگی وزرات ارشاد چندی پیش در مصاحبه‌ای از اجرایی‌شدن این طرح گفته و البته اشاره کرده بود که آیین‌نامه‌ای در این باره تنظیم و منتشر خواهد شد. قاعداً این اتفاق نیازمند آیین‌نامه و روشن‌شدن جزئیات طرح است. بنابراین اگر موضع اتحادیه ناشران را خواسته باشد، باید جزئیات منتشر شود، آیین‌نامه‌های مربوطه تدوین و تصویب شود، بعد موضوع در هیات‌مدیره اتحادیه برای بحث و بررسی مطرح شود تا نظر اتحادیه به‌عنوان موضع رسمی اتحادیه ناشران اعلام شود.

پیش از دو سال پیش که طرح خودتنظیمی مطرح شد، در بین ناشران مخالفان و موافقانی داشت وگرچه بسیاری از ناشران با کلیات طرح مخالفتی نداشتند، اما درنهایت زیر بار اعطای ممیزی به ناشران نرفتند و اجرای آن تا امروز به تعویق افتاد. اگر ممکن است از سابقه این بحث و جرایب مخالفت ناشران در آن زمان بگویید.

برای پرداختن به تاریخچه ماجرای پیشنهاد دولت به ناشران مبنی بر سپردن ممیزی به ناشران و نپذیرفتن آنها، باید مقدمه‌ای را مطرح کنم. به‌طور کلی ما وقتی به قوانین بالادستی مراجعه می‌کنیم اولین قانون، اصل بیست‌وچهارم قانون اساسی است که بر «آزادی بیان» تاکید می‌کند مشروط بر اینکه محل مبانی اساس و حقوق عمومی نباشد و انتها‌ی همین اصل مقرر شده است‌که جزئیات امر را قانون معین خواهد کرد، یعنی همان محدوده‌ای که اخلاص به اسلام و حقوق عمومی تلقی می‌شود. بنابراین همان‌طور که بر همین اساس و تحت همین اصل، قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، انتظار می‌رود که در حوزه نشر کتاب هم چنین قانونی در مجلس تصویب شود. در قانون مطبوعات حدود و جزئیات مشخص شده، دادگاه مطبوعات پیش‌بینی شده که دادگاهی اختصاصی است و نهادی اختصاصی با عنوان هیات‌منصفه و دیگر پیش‌بینی‌هایی که در قانون آمده است. این اتفاق در مورد نشر رخ نداده است. اینکه کدام ارگان و یا نهاد مسئولیت ماجرا را به‌عهده بگیرد چندان مهم نیست و تصور نمی‌شود که تأثیری هم بر موضوع داشته باشد. حدود و حریم اسلام و حقوق عمومی و تبعات آن باید توسط قانونگذار تعیین شود. تاکنون تحت‌الشعری که به‌عنوان سند به آن عمل شده و می‌شود، ضوابط نشر است که بار اول در سال ۱۳۶۷ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌تصویب رسید و بار دوم با تغییراتی در فروردین ۱۳۸۹ به تصویب همان شورا رسید. این چیزی است در حکم قانون و به‌ویژه که در مصوبه ۱۳۶۷ با این عبارت آمده : «کتابی که به شرح ذیل محل به مبانی اسلام و حقوق عمومی باشد شایسته نشر نیست»، به ذکر مصادیق پرداخته و به‌نوعی به وعده‌ای که اصل ۲۴ قانون اساسی داده عمل کرده است. در مصوبه سال ۱۳۸۹ عبارت فوق‌الذکر حذف شده و فقط به ذکر مصادیق اکتفا شده است. به‌نوعی حذف جمله بالا نشان‌دهنده این موضع است که مصوبه، همان قانون وعده‌داده‌شده اصل ۲۴ نیست. طبق تعریفی که از «قانون» در دست است، مصوباتی که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان برسد، قانون است. به ضوابط نشر بپردازیم که اکنون نیز مبنای عمل نشر است: در ضوابط نشر مصوب ۱۳۶۷، محدوده ادبیات کودک‌ونوجوان را دربر می‌گرفت و آن‌طور که از متن ماده ۵ مصوبه استنباط می‌شود، مجوز نشر تنها این حوزه را شامل می‌شد. اما در مصوبه ۱۳۸۹، دامنه این محدوده وسیع‌تر شد و مجموعه کتاب‌ها را در بر گرفت، قرار شد دو هیات‌نظارت تشکیل شود: هیات‌نظارت کتاب کودک‌ونوجوان و هیات‌نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب. اما تا سال‌ها این هیات‌ها –که رکن اساسی مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی بودند- تشکیل نشده‌اند. یعنی افرادی به این شورا معرفی شدند اما خروجی از شورا بیرون نیامد که هیات‌ها مشخص شوند و شروع به کار کنند. تا دولت یازدهم که یکی از اقدامات آن رسیدگی به این مصوبه و تشکیل دو هیات نظارت بود و در حال‌حاضر هم به‌طور فعال در قالب وظایفی که در ضوابط نشر آمده، مشغول به کار هستند.

اما نکته مهم و محل مناقشه این است که در مصوبه ۱۳۸۹ علاوه بر اینکه بر لزوم اخذ مجوز انتشار کلیه کتاب‌ها تأکید می‌شد، مجوز دیگری نیز در نظر گرفته شد که گرفتن آن نیز ضرورت پیدا کرد: داده دو مصوبه ۱۳۸۹ مقرر می‌دارد: «کلیه آثار منتشرشده براساس این مصوبه بایستی قبل از توزیع، از دبیرخانه هیات‌های نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب، مجوز توزیع دریافت نمایند.» که اصطلاحاً به «اعلام‌وصول» معروف است. اگر کتابی این مجوز را نگیرد انتشار آن بخش ندارد. علت مخالفت برخی ناشران ازجمله خود من، در آن دوران نیز از همین مسئله نشئت گرفت. آنچه

گفت‌وگو با محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران درباره تفویض ممیزی به ناشران

تفویض ممیزی «دستوری» نیست

شیمیا بهره‌مند

طرح خودتنظیمی با تفویض ممیزی به ناشران، آن‌طور که مدیر اداره کتاب ارشاد خبر داده، در ابهامات بسیار وارد فاز اجرایی شده است. قریب دو سال پیش در پی موضع‌گیری حسن روحانی درباره فرهنگ و ماجرای سانسور در آستانه انتخاباتی که دولت یازدهم را روی کار آورد، این طرح پیشنهاد شد و سرآخر با مخالفت ناشران به نتیجه نرسید. البته ایرادات ناشران برخلاف انتقادات نویسندگان و مترجمان، بیشتر متوجه نحوه اجرا و شکلی بود و نه ماهوی. از گفته‌های آموزگار نیز تا حدی می‌توان تلقی ناشران را دریافت، زیرا او معتقد است «ممیزی در بدنه جامعه است». اگر بخواهیم نهادی حقوقی برای این طرح شناسایی کنیم، شاید بتوان طرح تفویض ممیزی را بیش از هر چیز به نهاد «وکالت» شبیه‌تر دانست. زیرا با همین اندک جزئیات اعلام‌شده از طرف ارشاد، که بناست هیئت‌نظارتی زیر نظر ارشاد و با تأیید آنها اقدام به حذف‌وتعدیل کتاب‌ها کند، ناشران به وکلایی برای نهاد ممیزی ارشاد بدل می‌شوند. وکیل‌مدافعان جدید طبعاً برای کسب سودی با این طرح موافقت خواهند کرد. محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران تهران معتقد است اگر طرح همان طرح گذشته باشد و مجوز دومرحله‌ای – یک مرحله دست‌ناشر و مرحله تمام‌کننده (مجوز پخش) هنوز دست ارشاد- بعید است این طرح به سرانجام برسد.

او بر این باور است که مسئله تفویض ممیزی «دستوری» نیست و «بسیار طبیعی است ناشری که تشخیص دهد منافعهش در چارچوب این طرح برآورده نمی‌شود از پذیرش این طرح سر باز زند. دست‌کم کسی نمی‌تواند به ناشر تحکم کند که باید کتاب چاپ کند». البته اعلام موضع رسمی اتحادیه ناشران را موکول می‌کند به اما‌اگر‌ها و آیین‌نامه‌ای که وعده‌داده‌شده صادر شود با جزئیات و شفاف. طرح تفویض ممیزی به ناشران فرصتی شد برای گفتن از وضعیت ممیزی کتاب و ترتیب و آداب آن در شرایط پیش از اجرای خودتنظیمی و غیاب مؤلف یا صاحب‌اثر در بحث‌های مربوط به اثرش و البته اعلام موضعی از سوی آموزگار، که نماینده ناشران است و سخنان او در حکم اجماع نظرات ناشران.

آقای جنتی، وزیر فرهنگ‌وارشاد گفتند این بود که بررسی را به خود ناشران می‌سپارند، اما این مسئله مطرح می‌شد که اگر ناشر تشخیص بدهد کتابی قابلیت انتشار دارد و نسبت به چاپ آن اقدام کند، و بعد وزارت ارشاد مجوز ماده ۵ – مجوز پخش- را ندهد، با توجه به وقت و سرمایه‌ای که صرف چاپ کتاب شده، تکلیف چیست؟ درواقع علت مخالفت ناشران مخالفت ریشه‌ای با این قضیه نبود. فکر می‌کنم عموم ناشران در پی این هستند که از محدوده و دامنه ممیزی کاسته شود و حتی امیدواریم در آینده تفاهم به حدی برسد که دیگر نیازی به اخذ مجوز نباشد.

بنابراین طبق گفته‌های شما غالب ناشران با اصل ماجرا – واگذاری امتیاز ممیزی- مخالفتی ندارند و گویا مسئله باقی‌مانده ایرادات شکلی است که بناسد در آیین‌نامه‌های اجرایی در نظر گرفته شود تا به تفاهم دولت (نهاد ممیزی) و ناشران بینجامد. آن‌طور که از اظهارات اخیر محمد سلگی، مدیر اداره کتاب، مبنی بر قطعیت واگذاری ممیزی برمی‌آید طرح تفویض ممیزی، همان خودتنظیمی است که وارد فاز اجرایی شده. او در گفت‌وگوی اخیرش به این امر اشاره کرده که: «کلیت این بحث از گذشته مطرح بود و سال گذشته به تصویب رسید.» با توجه به اینکه هنوز بحث دومرحله‌ای‌بودن مجوز کتاب- نسبی در دست ناشر و نیمه نهایی و سرنوشت‌ساز در دست ارشاد- مطرح است و راهکاری برای این امر بیان نشده، فکر می‌کنید ناشران زیر بار قبول این تکلیف خواهند رفت؟

دقیقاً مسئله همین است که مشکل هنوز پابرجاست. اگر ناشران در



- مسئله تفویض ممیزی «دستوری» نیست، بسیار طبیعی است ناشری که تشخیص بدهد منافعهش در چارچوب این طرح برآورده نمی‌شود از پذیرش این طرح سر باز زند. دست‌کم کسی نمی‌تواند به ناشر تحکم کند که باید کتاب چاپ کند.**
- ضمن اینکه من مؤلف را مظلوم واقعی مجموعه نشر می‌دانم. در عین حال تصور نمی‌کنم ناشر، فعال مایشا‌ای باشد که نشسته و خون مؤلف را می‌مکد! این تلقی درست نیست، ناشران هم دغدغه‌ها و مسائل خاص خود را دارند**

مرحله گرفتن مجوز پخش با مانع و مخالفت ارشاد مواجه شوند، مسئله همچنان باقی است، برای همین است که می‌گویم جزئیات این طرح باید مشخص‌تر شود تا بتوان از موافقت یا مخالفت با این طرح حرف زد. **بحث دیگر مربوط به دامنه ناشرانی است که در اولویت این طرح قرار دارند، به‌عنوان دولتی و عمومی. در اظهارات اخیر مدیر اداره کتاب نیز آمده که «در ابتدای امر می‌خواهیم کار را به ناشرانی واگذار کنیم که مسئله کمتری دارند و می‌توانند تکالیف ما را به خوبی انجام دهند و باعث به وجود آمدن مشکلی نشوند. تفویض ممیزی به دیگر ناشران نیز با یک فاصله زمانی انجام می‌شود.» فکر می‌کنید تا چه حد سپردن ممیزی به ناشران مذکور می‌تواند بازتاب درستی از این طرح باشد؟ به‌بیان دیگر آیا نمونه آزمایشی درست و منطقی برای آغاز اجرایی‌شدن تفویض ممیزی در نظر گرفته شده است؟**

واقعیت این است که ناشران دولتی و کتاب‌های درسی پیش از این هم چندان دغدغه ممیزی نداشتند و ارشاد هم در رابطه با کارهای آنها مشکلی نداشت. یعنی به‌نوعی کتاب‌هایی که از طرف آنها برای اخذ مجوز ارائه می‌شد، مسیر متفاوتی را طی می‌کرد. این‌طور که من از بحث‌های اخیر و اولویت این ناشران در ام‌ام‌ام‌ام ممیزی درک می‌کنم این است که ارشاد می‌خواهد پوشش رسمی‌تری به این ماجرا بدهد. بنابراین اگر محدوده مسئولیت‌ها و حقوق ناشران در بحث مشخص شود، فکر می‌کنم ناشران با چشم بازتری بتوانند به این ماجرا نگاه کنند و تصمیم بگیرند.

اگر کمی روی کلمات اخیر محمد سلگی به‌عنوان یکی از مسئولان فرهنگی دقیق شوییم، به‌نظر می‌رسد آن برخورد سلیقه‌ای و منزلی که بناسد با این تفویض کمرنگ‌تر نشود یا از بین برود. هم‌چنان در میان خود مسئولان دیده می‌شود. اینکه اولویت تفویض با ناشرانی است که «مسئله کمتری دارند» و به‌قول جناب سلگی می‌توانند «تکالیف» ارشاد را «به‌خوبی انجام دهند و باعث به‌وجودآمدن مشکلی نشوند.» فکر می‌کنید با این رویکرد آیا «خود»های طرح «خودتنظیمی» در مواجهه با ارشاد نسبت برابر خواهند داشت؟

به‌نظم تغییر چندانی رخ نخواهد داد. ادسته از کتاب‌هایی که نیازمند بررسی هستند، گامکان همان مسیر را طی خواهند کرد. تفاوت جدی این

کتاب

گفت‌وگو با محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران درباره تفویض ممیزی به ناشران

«ما» مسئولیم

شرق: از آن روزها که طرح خودتنظیمی مطرح شد و بحث و بررسی‌ها بر سر برسان تازه کتاب بین نهاد ممیزی، ارشاد و ناشران به راه افتاد، مترجمان و نویسندگان گرچه غایب بحث‌ها بودند، اما واکنش‌هایی به این طرح نشان دادند. طبیعی است که برداشته‌شدن سانسور و هرگونه سد و مانع بر سر چاپ و نشر کتاب‌ها با توسل به اصل همیشگی و ابدی آزادی بیان، مهم‌ترین ریسمانی است که مؤلفان در این سال‌ها به آن آویخته‌اند. اگرچه تعطیل ممیزی در وضعیت فعلی فرهنگ ما بعید است و بیشتر به یک رویا می‌ماند، اما طبعاً خواست تمام نویسندگان از هر سنخ و تفکر، آزادی بیان و اندیشه است. به نظر می‌رسد نوعی اجماع در میان مؤلفان شکل گرفته که با تفویض ممیزی به ناشران، یا «خود»دانستن ناشران نسبت به مؤلفان از نسوی ارشاد، مخالف است. مؤلفان ما امروز به جایی رسیده‌اند که مسئولیت آثار خود را بپذیرند، اما تن به ممیزی از طرف ارشاد یا ناشر ندهند.

از محمود دولت‌آبادی، نویسنده معاصر و کهنه‌کار آغاز کنیم که

ماجرای عبورکردن و نکردن آخرین

رمانش، «کلنل» از سد سانسور

در چند سال اخیر نقل هر محفل

فرهنگی بوده است. از آثار او

در رمان «طریق بسم‌ل‌شدن» و

«رواکنل کلنل» و یک زندگی‌نامه با

عنوان «عبور از خود» مدت‌هاست که

در انتظار چاپ است و هزارچندگاهی

خبری از چاپ یا بررسی مجدد این

آثار، خاصه «کلنل» می‌رسد. او در

ایس‌ایام دو کتاب در حوزه ادبیات

قدیم درآورد: «وزیرای میرحسنت» و

«تا سر زلف عروسان سخن». این

نویسنده در گفت‌وگو با «شرق» که

به‌مناسبت انتشار این دو کتاب و در

سال گذشته در یکی از همین روزهای

مرداد انجام شد، به ماجرای اعطای

ممیزی به ناشران هم اشاره کرد و

به‌نوعی آن را غیرمنطقی خواند: «کار

اهل فرهنگ چیز دیگری است که

مشهود است!»

امیرحسن چهلتن، نویسنده مطرح

که چند کتاب بااداکلیف ازجمله

«امریکایی‌کشی در تهران»، «اضفهان»

و «سپیده‌دم ایرانی» را در ارشاد دارد

نیز معتقد است: «این اتفاق نویسندگان

را از چاله درمی‌آورد و به چاه

می‌اندازد. این نویسنده است که باید

در برابر اثرش پاسخگو باشد. این طرح

مشکلات ما را بیشتر خواهد کرد.»

چهلتن فکر می‌کند که ناشران هم نباید

پذیرند عامل سانسور باشند. فرزانه

طاهری، مترجم نیز بر این باور است که

کتاب باید با مسئولیت خود نویسنده

منتشر شود. با طرح جدید وزارت

ارشاد، مسئولیت انتشار کتاب و عواقب

آن برعهده ناشر است و به‌رغم اینکه

هر نشری یک هیئت دارد اما درنهایت

خود ناشر مسئول عواقب انتشار

کتاب‌هاست. لیلی گلستان، مترجم

نیز از معطل‌ماندن مجوز تجدیدچاپ

دو اثر مطرح «کامیار» و «زندگی در

پیش‌رو» خبر می‌دهد و معتقد است

در این حوزه باید نظمی به وجود بیاید

تا این شرایط تغییر کند. «آمی که در

دولت است باید جسارت داشته باشد

و پای حرف‌ها و وعده‌هایش بایستد،

اینکه اصلا وعده‌دهد یا نه.» عبدالله

کوثری، مترجم بنام نیز به پیچیده‌شدن

روابط ناشران با اهل قلم اشاره کرده

بود. اینکه «سپردن ممیزی به خود

ناشران، نگرانی‌هایی را هم برای برخی

ناشران ایجاد می‌کند. ناشران تصور

می‌کنند که جای ممیزان اداره کتاب

را می‌گیرند و نگران نوع رابطه‌شان

با اهل قلم هستند.» کوثری با اشاره

به اینکه قوانین یکدست و شفافی در

مسود ممیزی وجود ندارد، این نکته

را مطرح می‌کند که این طرح برای

خود ناشران نیز سختی‌هایی دارد زیرا

مسئولیت را به گردن ناشران می‌اندازد.

طبعاً مجموع نظرات و اظهارات

نویسندگان و مترجمان تا امروز نشان

می‌دهد که آنها این طرح را چندان

تغییری در وضعیت ممیزی نمی‌دانند

و بیشتر آن را مبهم و مسئله‌زا

می‌شمارند تا کارساز و بر این باورند که

تنها مرجع ممیزی تغییر کرده است

و این امر به‌خودی‌خود کافی نیست،

چهبسا وضعیت مجوز و طبع کتاب را

بغرنج‌تر کند.

روایت مترجم

ناشران در سانسور سخت‌گیرترند

حاضری پسر بزرگت کشته شود یا دختر کوچکت؟

علی‌اصغر حداد



در وضعیت طبیعی هرکس خودش باید مسئول کارش باشد و در این حالت، من مترجم بسته به توانایی خودم تصمیم می‌گیرم که آیا می‌توانم مسئولیت کتابی را که می‌نویسم برعهده بگیرم یا نه. در این وضعیت اگر هم قرار است کسی کتاب من را سانسور کند، این من هستم

که در این مورد تصمیم می‌گیرم. اما اگر قرار باشد به‌جای وزارت ارشاد که تاکنون تنها نهاد ممیزی کتاب بوده است، عده‌ای از طرف ناشران مسئول ممیزی کتاب باشند، مسئله ممیزی کتاب همچنان پابرجا خواهد بود. برای مؤلف و مترجم چه فرقی می‌کند که ارشاد کتاب‌ها را ممیزی کند، یا نماینده ناشران. مثل این می‌ماند که به ما بگویند حاضری پسر بزرگت کشته شود یا دختر کوچکت؟

پس با تفویض مسئولیت به ناشران، مسئله سانسور همچنان باقی

است. ضمناً در این حالت دوم که ناشران ممیز کتاب‌ها باشند،

اوضاع از چیزی که هم‌اکنون وجود دارد بدتر هم خواهد شد. طبعاً

نماینده ناشر در این زمینه سخت‌گیرتر خواهد بود، زیرا برای ناشر

علاوه‌بر مسائل دیگر مسئله مالی هم مطرح است و چه‌بسا اولویت

داشته باشد. با توجه به وضعیت موجود به نظر من همین حالت

فعلی که وزارت ارشاد، مسئول ممیزی و صدور مجوز کتاب باشد،

بهرتر است و ترجیح دارد به وضعیتی که ناشران هم ممیز شوند.

بنابراین اگر قرار است تغییری صورت بگیرد، بهتر است

مسئولیت انتشار کتاب‌ها به مؤلف یا مترجم داده شود تا اینکه

ناشران عهده‌دار این مسئولیت شوند. اما اگر مؤلفان و مترجمان

مسئول انتشار کتاب‌هایشان باشند، ما باز با مسائل دیگری

روبه‌رو خواهیم بود و حتی ممکن است خودسانسوری به‌شکل

فرایگر و پررنگ‌تری بروز کند و بیشتر شود. در حالت فعلی، وضعیت

این‌گونه است که مؤلف یا مترجم مثلاً چندین و چند سال روی

کتابی کار کرده است، اما وزارت ارشاد به کتاب مجوز نمی‌دهد و

نتیجه آن فقط چاپ‌نشدن کتاب است. اما اگر قرار باشد مؤلف و

مترجم مسئول انتشار کتاب باشد نه‌تنها سانسور از بین نمی‌رود،

بلکه او خود گرفتار مسائلی هم می‌شود.

تا پیش از این، دست‌کم ما با یک نهاد به اسم ارشاد مواجه

بودیم و بااین‌حال برخورد‌های سلیقه‌ای بسیاری در فرایند ممیزی

کتاب وجود داشت. حالا اگر قرار باشد ناشران به ممیزی کتاب

بپردازند، آنگاه ما با سلیقه‌های مختلف ناشران هم روبه‌رو

خواهیم بود. به‌این‌ترتیب مترجم و نویسنده باید ببیند که یک ناشر

چه مواردی را می‌پسندد و چه مواردی را رد می‌کند و فنوکل شر

هم طبعیتاً طبق نظر خودش عمل نمی‌کند و به این فکر می‌کند

که مقامات بالادستی چه حساسیت‌هایی دارند و بر طبق میل آنها

عمل خواهد کرد تا به مشکل برخورد و سعی می‌کند سلیقه آنها

را اعمال کند.

اما بهترین روشی که برای رفع این مشکل به نظر من می‌رسد،

این است که از بین اولیای ادبیات و کسانی که سنی ازشان گذشته

است یا تجربه و اعتباری در مملکت و جامعه ادبی دارند و از نظر

اخلاقی هم بیش‌وکم قابل‌قبول‌اند، کسانی انتخاب شوند و نظر این

افراد در انتشار کتاب‌ها اعمال شود. سپس، باید فهرستی فراهم

شود از کتاب‌های درجه‌یک ادبی و این آثار باید مستثنی از سانسور

باشند. چراکه اینها آثار برجسته ادبیات جهانی‌اند و جهان به این

آثار افتخار می‌کند و قاعداً این کتاب‌ها باید بدون هیچ‌گونه مشکلی

منتشر شوند. در این صورت من مترجم حاضرم مسئولیت انتشار

کارهایم را برعهده بگیرم و دست‌کم می‌دانم آن نهادی که مسئول

اعمال ممیزی است از کسانی تشکیل شده است که با ادبیات آشنا

هستند و احترام قلم را نگه می‌دارند.

به نظرم پیش از هر چیز این مسئله باید بررسی شود که اگر

ممیزی از ارشاد به ناشران واگذار شود آیا دغدغه مؤلفان و مترجمان

بیشتر می‌شود یا کمتر؟ من درحال حاضر و برای امر ترجمه به

مسئله ممیزی فکر نمی‌کنم، یعنی وقتی شروع به ترجمه می‌کنم

اصلاً فکر نمی‌کنم که آیا این ترجمه چاپ می‌شود یا نه. زیرا من به

آن معنا مترجم حرفه‌ای نیستم که از این راه گذران زندگی کنم و

ازاین‌رو هنگام ترجمه هیچ‌وقت به اینکه چه مواردی از کار ممیزی

می‌شود یا نمی‌شود، چه کلمات یا صفتانی باید حذف یا تعدیل

شود، فکر نمی‌کنم. من کار خودم را می‌کنم و وقتی ترجمه تمام

شد، آن‌وقت تازه به انتشارش فکر می‌کنم و تا قبل از آن به دلخواه

خودم عمل می‌کنم و اگر هم کتاب چاپ نشد، نشد و می‌ماند برای

زمانی دیگر.

درحال حاضر مشغول ترجمه رمان «برلین میدان الکساندر»

هستم و اصلاً مطمئن نیستم که این کتاب با شرایط فعلی مجوز

انتشار می‌گیرد یا نه و به‌رغم اینکه این کتاب رمانی هفتصدصفه‌ای

است مشغول ترجمه آن شده‌ام و کار خودم را ادامه می‌دهم.

به‌عبارتی سانسور و ممیزی برای من بعد از اتمام ترجمه کتاب

مطرح است و در زمان ترجمه با هنگام انتخاب یک کتاب ممیزی

اصلاً برایم اهمیتی ندارد. اما این موضوع در مورد من صادق است

و احتمالاً برای مترجم حرفه‌ای که از راه ترجمه زندگی می‌کند

مسئله به‌گونه‌ای دیگر است و آنها دغدغه‌هایی متفاوت‌تر خواهند

داشت و من نمی‌توانم صراحتاً بگویم مسئله ممیزی طبق نظر من

تغییر کند.

